

پژوهشی

مولفه‌های موثر بر تمایل به فرزندآوری زنان شاغل شهر تهران: همبسته‌ها و الزامات سیاستی

افسانه میرزائی^۱، منصور شریفی^۲* و علی پژوهان^۳

چکیده:

همزمان با مدرنیزاسیون و تغییر در ساختار خانواده، افزایش سطح تحصیلات، شهرنشینی، مشارکت زنان در بازارکار، فرزندآوری در سالهای اخیر در بین زنان به تدریج کاهش یافته است و می‌توان انطباق فرایند انتقال جمعیت دوم در ایران خصوصاً کلان شهری مانند شهر تهران را، با تغییر در بسیاری از ارزشها، نگرشها و گرایشها به فرزندآوری به وضوح مشاهده کرد. پژوهش حاضر به شیوه پیمایشی و با هدف شناسایی مولفه‌های تاثیرگذار بر فرزندآوری زنان شاغل شهر تهران انجام گردیده است. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته و ۱۰۶۵ نمونه به روش نمونه‌گیری اتفاقی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد، حدود ۳۰ درصد از تغییرات متغیر تمایل به فرزندآوری توسط متغیرهایی چون تحصیلات، سن، تعداد فرزندان، تعداد فرزندان ایده‌ال، مولفه سازمانی و اجتماعی تبیین شده است. تحصیلات و تعداد فرزند رابطه معکوسی با تمایل به فرزندآوری دارند و همچنین به لحاظ سازمانی هر چه حمایت سازمانی بیشتر باشد، تمایل به فرزندآوری زنان شاغل افزایش خواهد داشت. بنابراین پیشنهاد می‌شود که سیاست‌های جمعیتی از برنامه‌های طولانی مدت پیروی کند و اجرای آن توسط مسوولان و مدیران سازمان با تمرکز ویژه به ارزش‌گذاری فرزندآوری و حمایت سازمانی از سازگاری نقش مادری و کارمندی زنان شاغل تضمین شود.

واژگان کلیدی: مولفه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی، سازمانی، فرزندآوری، زنان شاغل

۱- گروه جمعیت‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- گروه علوم اجتماعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران، نویسنده مسوول sharifim@UT.AC.IR

۳- گروه جمعیت‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

یکی از تحولات بسیار مهم و قابل توجه در حوزه جمعیتی در نیم قرن اخیر در ایران، فرزندآوری است. شهرنشینی، صنعتی شدن بالارفتن تحصیلات و اشتغال زنان سهم عمده‌ای در این تحولات داشته، چنانچه با شهرنشینی، تحرک اجتماعی و مکانی، تقسیم کار، تغییر ساختار خانواده در همه بخش‌های زندگی مشهود است و ما حاصل آن تغییر سبک زندگی، تغییر ارزشها، هنجارهای افراد جامعه است. کاهش فرزندآوری نیز به دنبال تغییر ساختار خانواده در جامعه شهری ظهور پیدا کرده است، در چنین شرایطی فرزندآوری متحول می‌شود و افزایش فردگرایی، عقل‌گرایی و تفکر منطقی و استدلال در خانواده‌ها اشاعه می‌یابد. در نتیجه خانواده‌های سنتی به شکل خانواده مدرن تغییر حالت می‌دهند، اینگونه تحولات آسیب‌هایی من جمله محدود شدن گستره خانواده و روابط خانوادگی، کم‌رنگ شدن نقشهای برادر و خواهری، پناه بردن فرزندان به گروههای همسالان و همچنین کم‌رنگ شدن نقش‌هایی مانند خاله، دایی، عمو، عمه و... را به همراه دارد (شیدانی، ۱۳۹۲: ۶)

تغییر در رفتار باروری زنان، علاوه بر تأثیر قاطعی که بر میزان رشد جمعیت دارد، بر ترکیب و ساختار جمعیت نیز تأثیر خواهد گذاشت (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۹). طبق گزارشات سازمان ملل^۱ میزان باروری کل^۲ در کشورهای در حال توسعه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ حدود ۶ فرزند به ازای هر زن بوده، ولی از آن زمان به بعد روبه کاهش است و در سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۵ به حدود ۱/۳ تولد به ازای هر زن رسیده است (بنگارتز^۳، ۱۹۹۹: ۳). نیمی از جمعیت زنان در جهان در حال حاضر در مناطقی با میزانهای باروری کل پایین تر از سطح جانشینی جمعیت زندگی می‌کنند (بنگارتز و سابوتکا^۴، ۲۰۱۱: ۱). ایران نیز در یک دوره کوتاه سیر کاهش باروری از حدود ۷ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۵۹ به حدود ۲ فرزند در سال ۱۳۹۵ رسید (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵). این روند کاهش از باروری اواسط دهه ۱۳۶۰ شروع و از ۸/۶ فرزند در سال ۱۳۶۲ به ۵/۵ فرزند در ۱۳۶۷ و سپس ۲/۸ فرزند در سال ۱۳۷۵ کاهش یافت، چنانچه باروری در سال ۱۳۷۹ به سطح جانشینی و در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱/۸ فرزند یعنی زیر

1- United Nations Population Division (2015).

2- Total fertility rate

3- Bongart's

4-Bongart's, J., & Sobotka

سطح جانشینی (میزان باروری است که منجر به جبران جمعیت در گذشته با جمعیت جدید می‌شود) رسیده است (عباسی شوازی و خواجه صالحی، ۱۳۹۲: ۴۶-۴۵) پدیده کم‌فرزندی، تک‌فرزندی و بی‌فرزندی اکنون به شاخصی از زندگی مدرن تبدیل شده است و بسیاری از زوجهای جوان از آن استقبال می‌کنند. این عامل باعث شده تا سن فرزندآوری افزایش یافته و تمایل زوجین برای بچه‌دار شدن و مادر بودن کاهش یابد (رستگار خالد و همکاران، ۱۳۹۶: ۸). زنان پس از گذراندن تجربه شهرنشینی، مدرنیته و تحصیلات عالی خود را مکلف به مشارکت در تولید اقتصادی می‌دانند و هنگامی که در فرایند مشارکت در بازار کار شرکت یابند، جایگاه و منزلت اجتماعی و اقتصادی آنها تغییر می‌یابد، لذا از نقش مادرانه خارج گردیده و در پی بدست آوردن جایگاه اجتماعی و استقلال اقتصادی از نقش‌های پیشین فاصله می‌گیرند، در نتیجه زمانی که به زنان تحصیلات و فرصتهای شغلی مشابه با مردان داده می‌شود، این فرصتها منجر به محدود کردن تعداد فرزندان می‌شود (مک دونالد^۱، ۲۰۱۳).

اشتغال زنان تاثیر مستقیم بر نقش‌های خانوادگی برجای می‌گذارد و نقش سنتی زنان را برهم می‌زند و آنها را به ایفای نقش‌های برابر با مردان در جامعه رهنمون می‌کند و سبب بروز نقش‌های دوگانه در زنان می‌شود که از یک طرف بعنوان مادر و همسر بار سنگینی را به دوش خواهند کشید و از طرفی بعنوان زن شاغل به انجام وظایف سازمانی خواهند پرداخت و چه بسا از نقش مادرانه فاصله خواهند گرفت و هر روز به تعداد مادرانی که به اشتغال بیرون از خانه روی می‌آورند، افزوده می‌شود. بنابراین فرزندآوری و تمایل به داشتن فرزند از این وضعیت جدید تاثیر می‌پذیرد.

مطابق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، حداقل میزان باروری کل مربوط به استان گیلان با رقم ۱/۳۸ و حداکثر آن مربوط به استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۳/۹۶ فرزند می‌باشد این شاخص برای استانهای گیلان، مازندران و تهران به ترتیب با ارقام ۳۸/۱ و ۵۱/۱ و ۵۶/۱ حداقل میزان باروری را داشته‌اند، از آنجا که تهران جزو یکی از استانهایی است که نرخ باروری زیر سطح جانشینی را دارد، لذا فرزندآوری بعنوان یکی از شاخص‌های مهم جمعیتی این کلان شهر می‌باشد و جلوگیری از استمرار کاهش تمایل به فرزندآوری و

ارتقاء آن در سطح جانشینی، نیاز به شناخت و آگاهی از تمایلات فرزندآوری زنان و مولفه‌های موثر بر آن و همچنین شناسایی راهکارها و رفع موانع ضروری می‌باشد. با توجه به موقعیت جغرافیایی شهر تهران و دارا بودن زیر ساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بعنوان یکی از بزرگترین و پرجمعیت‌ترین کلان شهرها در ایران حجم زیادی از شاغلین را تشکیل می‌دهد و بستر مناسبی برای اشتغال زنان را دارا می‌باشد و زنان سهم بالایی از مشارکت در بازار کار را به خود اختصاص داده‌اند و درسازمانها و ادارات مختلف از جایگاه اجتماعی و سازمانی برخوردار می‌باشند. بنابراین با توجه کاهش تمایل به فرزندآوری پایین‌تر از سطح جانشینی در این شهر آیا می‌توان گفت، اشتغال بر تمایلات فرزندآوری زنان موثر است؟ مولفه موثر بر تمایلات فرزندآوری آنها کدام است؟

پیشینه پژوهش

مولفه موثر بر فرزندآوری و اشتغال زنان در چند دهه اخیر مورد توجه جامعه‌شناسان، جمعیت‌شناسان و اقتصاددانان بوده است. برخی مطالعات مسائل نهادی را مسئول فرزندآوری پایین زنان می‌دانند (کرامر،^۱ ۱۹۸۰؛ فل‌مل،^۲ ۱۹۹۳؛ اسمیت لویین و تایک مایر،^۳ ۱۹۷۸)؛ برخی دیگر وجود ضعف در مراکز مراقبت از کودکان (مطالعات ادسرا،^۴ ۲۰۰۵؛ بیلاری،^۵ ۲۰۰۸)؛ را علت کم فرزندآوری زنان می‌دانند و بعضی نیز جدایی بین محل زندگی خانواده و فرزندان (رادفورد و همکاران، ۱۹۹۶؛ بیلاری، ۲۰۰۸)؛ و برخی نیز عدم هماهنگی بین کارهای خانه و بچه‌داری، نبود انعطاف پذیری شغلی و مرخصی زایمان (داسیلوا،^۶ ۲۰۰۸)؛ و همچنین بار مضاعف زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار و ترکیب کارهای خانه با اشتغال به کار خارج از خانه (مک‌گینیتی و راسل،^۷ ۲۰۰۸)؛ را از دلایل پایین بودن فرزندآوری زنان ذکر نمودند. برخی از تحقیقات به این نتیجه رسیده‌اند که برخلاف نظریه‌های سنتی، رابطه اشتغال زنان و رفتار باروری به‌ویژه در بسترهای باروری پایین منفی نیست و در بسیاری از کشورهای

1-Cramer

2- Felmllee

3- Smith – Lovin, L and A. Tickamyer

4- Adsera

5- Bellary

6- De silva

7- McGinnity, F. and Russell

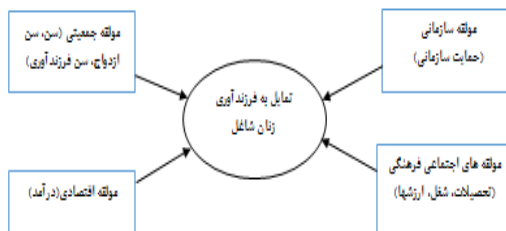
اروپایی همبستگی منفی بین میزان باروری و میزان مشارکت زنان در بازار کار قبل از دهه ۱۹۸۰ به یک همبستگی مثبت در بعد از آن تغییر کرده است (بکمن^۱، ۱۹۷۹؛ رایندفوس و همکاران^۲، ۲۰۰۳).

مطالعات انجام شده در ایران بیشتر بر الگوها و مولفه‌های مؤثر بر تمایلات فرزندآوری تاکید دارند. این بررسی‌ها بطور کلی نشان می‌دهند، زنانی که استقلال بیشتری داشته و تمایل به اشتغال در خارج از خانه دارند، تمایل کمتری به فرزندآوری را نشان می‌دهند (حسینی و بگی، ۱۳۹۱)؛ اثر اشتغال زنان بر کاهش باروری به نوع شغل، بخشی از اقتصاد که زنان در آن اشتغال دارند، نوع جامعه و هنجارهای حاکم بر آن و سطح توسعه‌یافتگی آن بستگی دارد (عباسی شوازی و علی مندگاری، ۱۳۸۹). مطالعات دیگر به رابطه منفی و معکوس بین اشتغال زنان و باروری پی‌بردند، بدان معنا که با افزایش اشتغال زنان، باروری کاهش می‌یابد. (شیری و بیداریان، ۱۳۸۸؛ نوروزی، ۱۳۷۷؛ شیری، نوراللهی و رستمی، ۱۳۹۲)

پژوهش‌های انجام گرفته، نشان دهنده تاثیر مولفه‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سازمانی بر تمایل به فرزندآوری می‌باشد. تحولات ارزشی و ساختاری خانواده از جمله اشتغال زنان، بالا رفتن تحصیلات و استقلال زنان که از نتایج صنعتی شدن و رواج شهرنشینی است، زنان را به سمت مسئولیت‌های جدید بیرون از خانه رهنمون می‌کند و اشتغال و مسائل سازمانی من جمله احساس عدم امنیت شغلی، ارتقاء شغلی، اشتغال پاره وقت، تمایل آنها را به فرزندآوری به منظور تعادل بین وظایف مادرانه و شاغل بودن کاهش می‌دهد. برخی مطالعات داخلی بر هنجارهای حاکم در جامعه در دوره گذار خانواده از سنتی به مدرن‌نیت اشاره دارد و مشاهده می‌شود، هرگاه زمینه اشتغال و استقلال زنان فراهم گردیده است، فرزندآوری کاهش یافته است، اما در هیچکدام از این پژوهش‌ها بصورت جامع و کامل مولفه‌های مؤثر بر تمایلات فرزندآوری زنان متاهل شاغل را بررسی نکرده است. پس با توجه به تمایز فرزندآوری زنان شاغل و غیر شاغل، این پژوهش با ارائه مدل نظری زیر درصدد شناسایی مولفه‌های اثرگذار بر تمایلات فرزندآوری زنان شاغل می‌باشد.

1- Beckman

2- Rindfuss, R.R., K. Benjamin



شکل ۱ - مدل نظری پژوهش

بطور کلی مولفه‌های موثر بر تمایلات فرزندآوری از یک سو به اثر گذاری هنجاری و ارزشی زنان شاغل و از یک سو به جایگاه و منزلت اجتماعی و سازمانی آنها با توجه به مولفه‌های جمعیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که بر مبنای فرضیات و چارچوب نظری پژوهش شکل گرفته است.

مبانی نظری

فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مولفه‌های جمعیتی است که نقش عمده‌ای در تحولات کمی و کیفی جمعیت هر کشور دارد، از این رو سیاست‌های جمعیتی در کشورهای مختلف دنیا عمدتاً حول محور کاهش یا افزایش فرزندآوری اعمال می‌شود. براین اساس نظریه‌های مختلفی وجود دارد که علل گرایش به فرزندآوری را تبیین و تحلیل نموده‌اند. از آنجا که ما در این پژوهش مولفه‌های تمایل به فرزندآوری زنان شاغل را بررسی می‌کنیم، توجه به یک رویکرد کافی نخواهد بود و نمی‌تواند جنبه‌های مختلف از مولفه‌هایی که به کاهش فرزندآوری منجر خواهد شد را مورد سنجش قرار ندهد، لذا در این پژوهش ما از نظریات مختلفی برای چارچوب نظری خود استفاده کرده‌ایم، چنانچه نظریه‌های مبتنی بر تبیین انتخاب عقلانی و ساختاری استدلال می‌کند که در زمانهای مختلف در یک کشور یا شهر شرایط ساختاری مانند شهرنشینی، صنعتی شدن، تغییر ساختار خانواده، باسوادی زنان، اشتغال، می‌تواند

زمینه کاهش تمایلات فرزندآوری یا حتی بی‌فرزندگی را فراهم کند. طبق نظریه کلاسیک انتقال جمعیتی (مدرنیزاسیون) باروری در کشورهای توسعه یافته به لحاظ هزینه و منافع از اهمیت عمده‌ای برخوردار است. در این جوامع فرهنگ و تحصیلات هر دو احتمال پذیرش اولیه ایده‌های جدید را فراهم می‌آورد، پس از آن امیدها برای مصرف افزایش می‌یابد و زنان به جستجوی شغل برای دستیابی به منزلت اجتماعی و برطرف نمودن نیازهای جدید اقتصادی به کار در بیرون از خانه اشتیاق بیشتری نشان می‌دهند تا بتوانند نیازهای مصرفی خود و خانواده را تامین نمایند، معمولاً در بسیاری از جوامع به دنبال توسعه و نوسازی، ارزشهای مربوط به آن نیز وارد جامعه می‌شود، زنان نیز برای اینکه از دستاوردهای نوسازی مانند اشتغال و تحصیلات بهره‌مند شده و به استقلال برسند، متحول می‌شوند و پس از بهره‌مندی از این دستاوردها کار در بیرون از خانه را به فرزندآوری ترجیح می‌دهند، زیرا وقتی شاغل باشند، نمی‌توانند باردار شوند و از فرزند خود مراقبت کنند، در نتیجه فرزندآوری و تمایل به آن کاهش می‌یابد و تاحدی مراقبت از فرزندان خود را به اقوام یا مراکز مراقبت از کودکان می‌سپارند (کله لند و ویلسون^۱، ۱۹۸۷: ۳۰-۵). از سوی دیگر، بر طبق نظریه گذاردوم جمعیتی به دنبال ایجاد جنبش‌های اجتماعی، آگاهی جوامع به دنبال تکنیک‌های مدرن در آموزش عمومی و بهبود بهداشت که به جامعه وارد می‌شود، تغییرات اجتماعی افزایش می‌یابد و به دنبال آن منزلت اجتماعی زنان اهمیت پیدا می‌کند و در نتیجه ازدواج و باروری زود هنگام نیز دچار دگرگونی می‌شود (لستاق و ون دکا^۲، ۱۹۸۶: ۲۴-۹). در فرایند نوسازی با گسترش ارتباطات اجتماعی، باسواد شدن زنان و ارتقاء سطح تحصیلات و تغییرات ساختاری خانواده از سنتی به مدرن و افزایش شهرنشینی بر رفتارهای باروری تاثیر می‌گذارد. همچنان که بر مبنای نظریه برابری جنسیتی و نظریه‌های فمینیستی، در پی پیشرفت و توسعه جوامع و با گسترش شهرنشینی، تحصیلات و اشتغال بین زنان، وضعیت آنها در ساختار خانواده و جامعه تغییر می‌یابد. زنان ترجیح می‌دهند به موقعیتی مساوی با مردان دست یابند و به همین دلیل ازدواج و مادر شدن را به خاطر از دست ندادن موقعیت اجتماعی خویش به تأخیر می‌اندازند (مک دونالد، ۲۰۰۰).

چارچوب نظری مقاله، ترکیبی از تبیین رفتارهای باروری، تبیین انتخاب عقلانی - ساختاری

1- McGinnity, F. and Russell

2- Lesthaeghe, R & Van de Kaa

و تبیین هنجاری- فرهنگی است. تمایلات فرزندآوری زنان شاغل همواره تحت تاثیر انتخاب عقلانی قرار می‌گیرد و تبیین هنجاری- فرهنگی نیز در تمایل به فرزندآوری در حال تغییر می‌باشد و فرزندآوری زنان با نظرات متفاوت در معرض تاثیر انتخاب عقلانی و تبیین هنجاری قرار می‌گیرد. همچنان که در بحث نظری ملاحظه گردید، در نظریه کلاسیک انتقال جمعیت (مدرنیاسیون) تحصیلات می‌تواند منزلت اجتماعی زنان را تغییر دهد و باعث پذیرش ایده‌های جدید شود که زنان را به کار در بیرون از خانه ترغیب کند، تاجایی که فرزندآوری خود را کاهش می‌دهند، تا منزلت اجتماعی را حفظ یا ارتقاء دهند، چنانچه زنان در موقعیت سنجی خود منزلت اجتماعی را بر فرزندآوری ترجیح می‌دهند. اگر فرزندآوری در مقابل منزلت اجتماعی قرار گیرد، زنان فرزندآوری را محدود می‌کنند و کم‌کم این رفتار بصورت هنجار اشاعه پیدا می‌کند. بنابراین انتظار می‌رود زنان شاغل با سیر تحولات اجتماعی و فرهنگی در شهر تهران با تغییرات بخصوصی در الگوها و رفتارهای فرزندآوری همگام شوند و بسیاری از هنجارها بر فرزندآوری ارجح‌تر شود.

با توجه به ملاحظات نظری و پیشینه پژوهش فرضیات زیر در نظر گرفته می‌شوند:

- مولفه جمعیتی (سن، سن فرزندآوری، تعداد فرزندان) بر تمایل به فرزندآوری زنان شاغل تاثیر می‌گذارد.
- مولفه اجتماعی، فرهنگی (میزان تحصیلات، حمایت اجتماعی، حمایت فرهنگی) در تمایل به فرزندآوری زنان شاغل تاثیر می‌گذارد.
- مولفه اقتصادی (درآمد) بر تمایل به فرزندآوری زنان شاغل تاثیر می‌گذارد.
- مولفه سازمانی (حمایت سازمانی) بر تمایل به فرزندآوری زنان شاغل تاثیر می‌گذارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش پیمایشی انجام شده است. بعد از جمع آوری و کدگذاری پرسشنامه‌ها، داده‌ها وارد نرم افزار آماری SPSS شد و با استفاده از فنون و روشهای آماری تجزیه و تحلیل گردید.

جامعه آماری پژوهش همه زنان شاغل (۴۹-۱۵) در سازمانها و ادارات مختلف سطح شهر تهران می‌باشد، براساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۵، زنان در گروه سنی (۴۹-۱۵) سال شهر

تهران ۵۰۵۸۹۹ نفر می‌باشند. شیوه نمونه‌گیری در دسترس (اتفاقی)^۱ با مراجعه به سازمانها و ادارات دولتی و غیر دولتی انتخاب شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و پذیرش خطای نمونه‌گیری ۰/۰۳ تعداد ۱۰۶۵ نفر تعیین گردیده است.

در این پژوهش در بعد جمعیتی از متغیر سن، سن در اولین ازدواج، تعداد فرزندان، سن اولین فرزندآوری استفاده شده است، که این متغیر با پرسیدن تعداد و سن پاسخگویان عملیاتی شده است. برای اندازه‌گیری شاخص فرهنگی و اجتماعی از متغیرهای سطح تحصیلات که از طریق ساخت سطوح تحصیلی زبردپلم تا دکتر، وضعیت استخدامی در سه نوع قراردادی، رسمی، آزمایشی، حق الزحمه‌ای، محل اشتغال در سه بخش دولتی، نیمه دولتی و خصوصی عملیاتی شده است. شاخص اقتصادی از متغیر درآمد به وسیله سه سطح درآمد کم، متوسط و زیاد تعریف گردیده است و از طریق تشکیل طیف لیکرت، برحسب میزان موافقت برای فرزندآوری از گزینه کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم این گزاره عملیاتی شده است. شاخص سازمانی نیز از سه متغیر حمایت کم، حمایت متوسط، حمایت زیاد، برحسب میزان موافقت برای فرزندآوری از گزینه کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم این گزاره عملیاتی شده است. متغیر وابسته تمایل به فرزندآوری بوده که در این پژوهش با ۱۴ گویه که از گزینه کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم نمره‌گذاری شده است. به منظور سنجش روایی پژوهش از دو شاخص آلفای کرونباخ و اعتبار سازه استفاده شده است.

جدول ۱: بررسی اعتبار سازه و روایی متغیرهای تحقیق

| ردیف | متغیرهای پژوهش | اعتبار سازه متغیرهای تحقیق | | | ضرایب آلفای کرونباخ | |
|------|------------------------------------|----------------------------|----------------------|---------------|---------------------|---------------|
| | | شاخص کفایت نمونه | واریانس تبیینی متغیر | آلفای کرونباخ | تعداد گویه | سطح معنی داری |
| ۱ | تمایل به فرزند آوری (متغیر وابسته) | ۰/۷۴۵ | ۵۴/۱۴ | ۰/۷۶۱ | ۱۴ | ۰/۰۰۰ |
| ۲ | مولفه اجتماعی | ۰/۶۷۷ | ۵۶/۱۳ | ۰/۶۴۶ | ۶ | ۰/۰۰۰ |
| ۳ | مولفه‌های اقتصادی | ۰/۷۸۳ | ۶۳/۴۷ | ۰/۷۸۰ | ۱۱ | ۰/۰۰۰ |
| ۴ | مولفه‌های فرهنگی | ۰/۶۳۶ | ۵۲/۲۰ | ۰/۵۹۲ | ۸ | ۰/۰۰۰ |
| ۵ | مولفه‌های سازمانی | ۰/۷۶۱ | ۵۸/۱۳ | ۰/۸۶۱ | ۲۸ | ۰/۰۰۰ |

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌کنید، اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز با انجام یک پیش‌آزمون و با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی مورد بررسی و تایید قرار گرفت. شاخص کفایت نمونه در تمایل به فرزندآوری بعنوان متغیر وابسته و سایر متغیرهای مستقل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سازمانی از اعتبار و روایی و پایایی بالای برخوردار می‌باشند.

یافته‌های توصیفی پژوهش

مطابق این بررسی، میانگین سن زنان شاغل ۳۴/۳۷ سال، میانگین سن اولین ازدواج ۲۶ سال و میانگین سن زنان در اولین زایمان ۲۴ سال بوده است و میانگین تعداد فرزندان ۱/۸ بوده و بیشتر پاسخگویان تک فرزند می‌باشند، همچنین اطلاعات مندرج در جدول توزیع متغیرهای جمعیتی نمونه بر حسب تعداد فرزند ایده‌آل برای زنان شاغل، نشان می‌دهد میانگین شمار فرزندان ایده‌آل زنان شاغل ۲ فرزند می‌باشد.

جدول ۲ توزیع نسبی ویژگیهای جمعیتی پاسخگویان

| متغیرهای جمعیتی | میانگین | میانه | نما | کمترین | بیشترین |
|---------------------|---------|-------|-----|--------|---------|
| سن | ۳۷/۳۴ | ۳۸ | ۴۰ | ۲۰ | ۴۹ |
| سن ازدواج | ۲۶/۴۷ | ۲۶ | ۲۵ | ۱۳ | ۴۰ |
| سن فرزندآوری | ۲۳/۹۴ | ۲۸ | ۳۰ | ۱۵ | ۴۱ |
| تعداد فرزندان | ۱/۸ | ۰/۱ | ۱ | ۰ | ۴ |
| تعداد فرزند ایده آل | ۲/۰۳ | ۲ | ۲ | ۱ | ۲ |

جدول ۳: جدول توزیع فراوانی ویژگیهای اجتماعی و سازمانی پاسخگویان

| درصد فراوانی | فراوانی | محل اشتغال |
|----------------|---------|------------------------|
| ۱۶/۸ | ۱۷۹ | شاغل در بخش دولتی |
| ۴۰/۰۱ | ۴۲۷ | شاغل در بخش خصوصی |
| ۴۳/۱ | ۴۵۹ | شاغل در بخش نیمه دولتی |
| ۱۰۰ | ۱۰۶۵ | کل |
| وضعیت استخدامی | | |
| ۴۵/۵ | ۴۸۵ | قراردادی |
| ۴۶/۱ | ۴۹۱ | رسمی |
| ۵/۴ | ۵۷ | آزمایشی |
| ۳/۰ | ۳۲ | حق الزحمه ای |
| ۱۰۰ | ۱۰۶۵ | کل |
| سطح تحصیلات | | |
| ۱/۳ | ۱۴ | زیردیپلم |
| ۴/۹ | ۵۲ | دیپلم |
| ۳۰/۹ | ۳۲۹ | فوق دیپلم |
| ۵۰/۵ | ۵۳۸ | لیسانس |
| ۶/۳ | ۶۷ | فوق لیسانس |
| ۶/۱ | ۶۵ | دکترا |
| ۱۰۰،۰ | ۱۰۶۵ | کل |

یافته‌های توصیفی جدول ۳، نشان می‌دهد ۱۶/۸ درصد زنان شاغل در بخش دولتی، ۴۰/۱ درصد آنها در بخش خصوصی و ۴۳/۱ درصد نیز در بخش نیمه‌دولتی مشغول بکار بوده و همچنین وضعیت استخدامی پاسخگویان بصورت قراردادی ۴۵/۵ درصد، رسمی ۴۶/۱ درصد، ۵/۴ درصد آزمایشی و ۳ درصد حق الزحمه‌ای می‌باشد. طبق مندرجات جدول فوق ۵۰ درصد از زنان بررسی شده در تحقیق حاضر دارای مدرک لیسانس بوده که حکایت از وضعیت تحصیلی بالای جامعه آماری مورد مطالعه دارد. یافته‌ها همچنین گویای آن است که حدود ۸۲/۵ درصد زنان تحصیلات دانشگاهی دارند و تنها ۷/۵ درصد زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی می‌باشند.

یافته‌های استنباطی پژوهش

به منظور بررسی تاثیر مستقل مولفه‌های جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سازمانی با تمایل به فرزندآوری در بخش استنباطی پژوهش از آزمون همبستگی رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است.

جدول ۴: ضرایب همبستگی و رگرسیونی روابط متغیرهای مستقل و تمایل به فرزندآوری

| ضرایب رگرسیون استاندارد متغیرها β | | | | | | | ضرایب مدل رگرسیون | | | | | | |
|---|-----------------|---------------|------------|-----------------------|----------------------|---------------|-----------------------|-----------------------|--------------------------------------|-----------------------------------|------------------|----------------|---------|
| تعداد فرزندان β | تحصیلات β | درآمد β | سن β | حمایت اجتماعی β | حمایت فرهنگی β | حمایت سازمانی | وضعیت اقتصادی β | مقدار ثابت (Constant) | ضریب تعیین باقیمانده (Dorbin Watson) | ضریب تعیین اصلاح شده (R adjusted) | ضریب تعیین r^2 | ضریب همبستگی R | شرح |
| -۰/۰۷ | -۰/۱۰ | ۰/۱۲ | ۰/۰۹ | * | ۰/۱۹ | ۰/۳۸ | * | ۱/۳۰ | ۱/۸۹ | ۰/۱۷۹ | ۰/۱۸۳ | ۰/۴۲۸ | مدل کلی |

Sig= 0 /000 علامت (*) نشاندهنده عدم معنی داری متغیر می باشد.

جدول ۴، نشان می‌دهد با ورود متغیرهای سن، تحصیلات، تعداد فرزندان، درآمد، حمایت سازمانی کلیه ضرایب رگرسیون استاندارد بغیر از وضعیت اقتصادی و حمایت اجتماعی، سایر متغیرها در سطح بیش از ۹۵ درصد اطمینان معنی‌داری می‌باشند. ضریب رگرسیون همبستگی همزمان ۰/۴۲۸ حاکی از همبستگی همزمان متغیرهای مستقل (وضعیت اقتصادی، حمایت سازمانی، حمایت فرهنگی، سن، درآمد، تحصیلات، تعداد فرزندان) با متغیر وابسته (تمایل به فرزندآوری) می‌باشد. ضریب تعیین مدل برابر ۰/۱۸۳، نشان می‌دهد که ۱۸/۳ درصد تغییرات واریانس متغیر تمایل به فرزندآوری توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است، همچنین تحصیلات و تعداد فرزندان به ترتیب ۰/۱۰- و ۰/۰۷- دارای رابطه منفی و معکوس بر تمایل به فرزندآوری می‌باشند.

جدول ۵: مدل رگرسیون بر حسب متغیرهای جمعیتی

| تغییرات سطح معنی داری | تغییرات آماری | | | | ضرایب رگرسیون | | | | شرح |
|-----------------------|------------------------|--------------|--------------|--------------------|---------------------------------------|-------------------------------------|---------------------------|---------------------|--------|
| | F(توزیع احتمال پیوسته) | درجه آزادی ۲ | درجه آزادی ۱ | تغییرات ضریب تعیین | ضریب تعیین باقیمانده Dorbin watson | ضریب تعیین اصلاح شده (R-djusted) | ضریب تعیین R ² | ضریب R _p | |
| ۰/۰۰ | ۱۹/۱۱۱ | ۱۰۶۱ | ۳ | ۰/۰۵۱ | ۱/۷۸۳ | ۰/۰۴۹ | ۰/۰۵۱ | ۰/۲۲۶ | مدل یک |

بدین معنی که هرچه تحصیلات و تعداد فرزندان افزایش یابد، تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد. مقادیر جدول ۵، حاکی از همبستگی همزمان متغیرهای مستقل (تعداد فرزندان ایده آل، سن، تعداد فرزندان) با متغیر وابسته (تمایل به فرزندآوری) به میزان ۰/۲۳ می‌باشد و همچنین ضریب تعیین مدل نشان می‌دهد، ۰/۰۵۱ واریانس متغیر تمایل به فرزندآوری توسط متغیرهای مستقل: سن، تعداد فرزندان، تعداد فرزند ایده‌آل توضیح داده شده است.

جدول ۶: ضرایب همبستگی و رگرسیونی روابط متغیرهای جمعیتی و تمایل به فرزندآوری

| مدل دو | ضرایب غیر استاندارد β | ضرایب انحراف معیار | ضرایب استاندارد β | t | سطح معنی داری |
|-----------------------|-----------------------------|--------------------|-------------------------|--------|---------------|
| تعداد فرزند | -۰/۰۶۹ | ۰/۰۳۹ | -۰/۰۶۰ | -۱/۷۸۷ | ۰/۰۷۴ |
| سن | ۰/۷۴ | ۰/۴۸ | ۰/۴۸ | ۱/۵۳۲ | ۰/۱۲۶ |
| تعداد فرزندان ایده‌آل | ۰/۲۳۳ | ۰/۳۲ | ۰/۲۳۴ | ۷/۲۶۸ | ۰/۰۰ |

متغیر وابسته: تمایل به فرزندآوری

ضرایب بتا نشان می‌دهد، که تاثیر تعداد فرزندان بر تمایل به فرزندآوری منفی بوده، به این معنی که به ازای یک واحد تغییر از متغیر تعداد فرزندان در ۹۰٪ سطح معنی داری، تمایل به فرزندآوری ۰/۶۰- کاهش پیدا کرده است و از نظر آماری معنادار می‌باشد. همچنین تعداد فرزندان ایده‌آل در بیش از ۹۹ درصد معنی دار می‌باشد.

جدول ۷: ضرایب همبستگی و رگرسیونی روابط متغیرهای مستقل و تمایل به فرزندآوری

| مدل سه | ضرایب غیر استاندارد β | ضرایب انحراف معیار | ضرایب استاندارد β | t | سطح معنی داری |
|---------------|-----------------------------|--------------------|-------------------------|--------|---------------|
| مولفه سازمانی | ۰/۳۷۱ | ۰/۲۸ | ۰/۳۷۱ | ۱۳/۲۲۱ | ۰/۰۰۰ |
| مولفه اقتصادی | ۰/۰۶۹ | ۰/۴۵ | ۰/۰۴۳ | ۱/۵۴۱ | ۰/۱۲۴ |
| مولفه فرهنگی | ۰/۱۳۰ | ۰/۳۱ | ۰/۱۱۰ | ۴/۲۴۳ | ۰/۰۰۰ |
| مولفه اجتماعی | ۰/۳۴۱ | ۰/۳۸ | ۰/۲۶۰ | ۸/۸۵۳ | ۰/۰۰۰ |

متغیر وابسته: تمایل به فرزندآوری

ضرایب بتا، نشان می‌دهد که تاثیر مولفه سازمانی، مولفه اقتصادی، مولفه فرهنگی، مولفه اجتماعی بر تمایل به فرزندآوری مثبت بوده، به این معنی که به ازای یک واحد تغییر از متغیر مولفه سازمانی ۹۹٪ در سطح معنی داری بوده و تمایل به فرزندآوری ۳۷ درصد افزایش پیدا کرده است و از نظر آماری معنادار می‌باشد. همچنین به ازای یک واحد تغییر از متغیر مولفه فرهنگی ۹۹٪ در سطح معنی داری بوده و تمایل به فرزندآوری ۳۱ درصد افزایش پیدا کرده است و از نظر آماری معنادار می‌باشد و در مولفه اجتماعی نیز ۹۹ درصد در سطح معنی داری بوده و به ازای هر واحد تغییر از متغیر اجتماعی، ۳۸ درصد تمایل به فرزندآوری افزایش پیدا کرده است. لازم به ذکر است، مولفه اقتصادی در این مدل معنی دار نمی‌باشد.

جدول ۸: مدل رگرسیون متغیرهای مستقل (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سازمانی)

| شرح | ضرایب رگرسیون | | | | تغییرات آماری | | | | |
|----------|----------------|------------------|----------------------------------|------------------------------------|--------------------|--------------|--------------|-------------------------|-----------------------|
| | ضریب همبستگی R | ضریب تعیین R^2 | ضریب تعیین اصلاح شده (R-djusted) | ضریب تعیین باقیمانده Dorbin watson | تغییرات ضریب تعیین | درجه آزادی ۱ | درجه آزادی ۲ | F (توزیع احتمال پیوسته) | تغییرات سطح معنی داری |
| مدل چهار | ۰/۵۴۶۵ | ۰/۲۹۹ | ۰/۲۹۶ | ۱/۷۸۱ | ۰/۲۹۹ | ۴ | ۱۰۶۰ | ۱۱۲/۷۹۱ | ۰/۰۰ |

مقادیر جدول ۸، حاکی از شدت همبستگی همزمان متغیرهای مستقل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سازمانی با متغیر وابسته (تمایل به فرزندآوری) به میزان ۰/۵۴ می‌باشد و همچنین ضریب تعیین مدل نشان می‌دهد ۳۰٪ واریانس متغیر تمایل به فرزندآوری توسط متغیرهای مستقل: اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سازمانی توضیح داده شده است.

بحث و نتیجه گیری

تحولات جمعیت ایران در طول چنددهه گذشته، به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با شتاب باورنکردنی اتفاق افتاده است و جامعه را دچار تغییرات زیادی نموده است. حضور زنان در سطوح مختلف جامعه از جمله این تغییرات است و اثرگذاری این حضور بسیار شدیدتر از چند دهه قبل است. موج اصلی تغییرات منبعت از مدرنیته و تغییر ساختار خانواده آغاز گردید و با تغییر باورها، ارزشها، هنجارهای اجتماعی با گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن نمایان‌تر شد، همزمان با این تغییرات نگاه سنتی به فرزندان متحول گردید و با افزایش سطح تحصیلات و حضور زنان در بیرون از خانه تمایل به فرزندآوری روند نزولی پیدا کرد. مطالعات نشان می‌دهد، نرخ باروری در ایران به زیر سطح جانشینی رسیده است و مسئله فرزندآوری در دوره‌های مختلف نقش موثری در حوزه خانواده داشته است.

در بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق نتایج زیر بدست آمده است:

فرضیه اول، به بررسی تاثیر سن و تعداد فرزندان، تعداد فرزند ایده‌آل بر تمایل به فرزندآوری زنان شاغل می‌پردازد. مشخص گردید، تمایل به فرزندآوری در سنین بالای ۴۰ سال افزایش می‌یابد و هرچه سن پاسخگویان بیشتر باشد، تمایل به فرزندآوری آنها بیشتر می‌شود و هر اندازه سن پاسخگویان کمتر باشد تمایل به فرزندآوری کمتر خواهد بود. نتایج این پژوهش همسو با بررسی داوودی (۱۳۹۵) است. همچنین هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد، تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد. همچنان که در مطالعات (محمودیان، ۱۳۸۴: ۱۳۳، عباسی‌شواری و عسگری ندوشن، ۱۳۸۴: ۳۶) گویای این مهم است. به موازات بهبود وضعیت اقتصادی، زنان قدرت اقتصادی بیشتری برای تصمیم‌گیری در خانواده دارند و انتظار می‌رود کنش‌ها و رفتارهای فرزندآوری زنان مانند تعداد فرزندان، تعداد فرزندان ایده‌آل دستخوش تغییر و اغلب

کاهش تمایل به فرزندآوری شود.

فرضیه دوم، به بررسی تاثیر مولفه‌های اجتماعی، فرهنگی بر تمایل به فرزندآوری زنان شاغل می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد، هرچه سطح تحصیلات افزایش می‌یابد، تمایل به فرزندآوری کمتر است، بدین معنی که تحصیلات رابطه معکوسی و منفی بر تمایل به فرزندآوری دارد. این نتایج با پژوهش عباسی‌شوازی و علی‌مندگاری در ایران همسو بوده و همان‌گونه که کالدول بر آموزش همگانی و تحصیلات به‌عنوان عاملی مهم در کاهش باروری تأکید می‌کند، مشاهده می‌کنیم که با افزایش تحصیلات زوجین، از میزان فرزندآوری آنها کاسته می‌شود. علت این امر آن است که زوجین تحصیل کرده و به‌ویژه زنان تحصیل کرده که معمولاً از فرصت‌های بیشتری برای فعالیت‌های آموزشی، شغلی و اجتماعی برخوردارند، به دلیل بالاتر بودن هزینه فرصت از دست‌رفته آنها، تمایل کمتری به فرزندآوری دارند. نتیجه این فرضیه همسو با نتایج بررسی‌های برومند و ارجمند سیاهپوش (۱۳۹۵)، قدرتی و همکاران (۱۳۹۰) می‌باشد...

فرضیه سوم، به بررسی تاثیر مولفه اقتصادی (وضعیت اقتصادی، درآمد) بر تمایل به فرزندآوری زنان شاغل می‌پردازد. گرچه وضعیت اقتصادی در مدل کلی رگرسیون اثرگذار نمی‌باشد

فرضیه چهارم، به بررسی مولفه سازمانی (حمایت سازمانی) بر تمایل به فرزندآوری زنان شاغل می‌پردازد. در متغیرحمایت اجتماعی مشاهده می‌شود، زنانی که از حمایت سازمانی کمتری برخوردارند، تمایل کمتری به فرزندآوری دارند و هنگامی که تاثیر حمایت اجتماعی پررنگ‌تر می‌شود، تمایل بیشتر خواهد شد. باید گفت زنان معمولاً از یک هنجار اجتماعی حاکم در جامعه تبعیت می‌کنند و کاهش تمایل به فرزندآوری و کم‌فرزندی در الگوهای اجتماعی آنها نهادینه شده است.

از نظر تئوریک، هر اندازه قدرت زنان در محیط خانواده، برای مثال در نتیجه افزایش تحصیلات زنان و مشارکت اقتصادی آنها بیشتر شود، به همان اندازه انتظار می‌رود، کنش‌ها و رفتارهای باروری زنان مانند تعداد فرزندان ایده‌آل، تعداد فرزندان خواسته دستخوش تغییر و اغلب با کاهش روبرو شود. افزایش قدرت زنان در خانواده، تمایل به فرزندآوری و فرزندآوری را کاهش می‌دهد، این نتیجه با انتظارات تئوریک، یعنی نظریه قدرت و جنسیت و نیز نظریه منابع قدرت در خانواده هماهنگ است. براساس تئوری‌های مذکور انتظار می‌رود که قدرت در خانواده برحسب جنسیت متفاوت باشد و ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی افراد، یعنی زن

و مرد، تعیین کننده قدرت آنها در خانواده است. از آنجا که زنان شاغل، قدرت اقتصادی و جایگاه اجتماعی بواسطه اشتغال بدست می‌آورند، قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در خانواده دارند، همچنان که در مطالعه‌ای نشان داده شد، میانگین تعداد فرزندان خواسته شده این گروه، کمتر از زنانی است که قصد اشتغال خارج از منزل را نداشتند. در این پژوهش مشاهده شد همزمان با افزایش سطح تحصیلات، تمایل به فرزندآوری کاهش پیدا کرده و میل به پیشرفت و ارتقاء جایگاه اجتماعی و سازمانی، زنان را به ارتقاء سطح تحصیلات تشویق می‌کند و در نتیجه قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در خانواده برای زنان ایجاد می‌کند. این نتایج با یافته‌های (سلطانیان و همکاران ۱۳۸۶)، عباسی‌شوازی و علی‌مندگاری (۱۳۸۹)، گشتاسبی و وحدانی نیا (۱۳۸۵) همسو می‌باشد. همچنین نتایج به دست آمده نشان داد، تعداد فرزندان ایده‌آل ۲ فرزند می‌باشد که این نتیجه با برخی مطالعات پیشین (محمودیانی، ۱۳۹۳؛ حسینی وبگی، ۱۳۹۳، عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۸۹) همسو می‌باشد. این یافته‌ها، چند نکته را مشخص نمود که هیچ زنی در پژوهش، بی‌فرزندی را ایده‌آل نمی‌داند و به عبارتی زنان بررسی شده، براین باورند که داشتن فرزند لازم است، چنانچه اگر زنان بیش از ۳۰ سال داشته باشند، این خواسته پررنگ تر خواهد بود، ولی باید توجه داشت، همواره زنان شاغل با انتخاب عقلانی و استدلال منطقی تمایلات خود را به فرزندآوری کنترل می‌کنند که بعضاً این انتخاب تحت تاثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها صورت می‌پذیرد. این نتیجه با نظر لیتل در نظریه انتخاب عقلانی همسو می‌باشد. در مجموع به نظر می‌رسد، تمایلات فرزندآوری در گذر زمان تغییر می‌یابد، اما مهم‌ترین زمینه‌هایی که از نظر پاسخگویان به کاهش تمایل به فرزندآوری زنان شاغل می‌انجامد، تحصیلات، هنجارهای حاکم به جامعه، تغییر ساختار خانواده، موانع و محدودیت سازمانی و دغدغه‌های اقتصادی است. پیشنهاد می‌شود همزمان با تحولات ساختاری در خانواده، سیاستهای جمعیتی نیز الزاماً به روزرسانی شود و بصورت جامع و کامل به کلیه سازمانها بصورت نظامنامه با ضمانت اجرایی ابلاغ گردد. سیاستهای جمعیتی باید به سمت پررنگ کردن مشوقهای فرزندآوری، سازگاری نقش دوگانه کارمندی و مادری زنان شاغل هدایت شود. لذا با گسترش برخی حمایت‌های اجتماعی از جمله بالابردن سطح رفاه اجتماعی، افزایش امنیت اجتماعی، ارتقاء سطح معیشتی افراد جامعه و حمایت‌های سازمانی مانند افزایش امنیت زنان شاغل، ارتقاء کیفیت مراکز نگهداری کودکان، افزایش مرخصی زایمان، می‌توان امید داشت تمایلات فرزندآوری را به سمت و سوی افزایش فرزندآوری هدایت نمود.

منابع:

- ارجمندی، اسحاق و زهرا درویش زاده (۱۳۹۰). «بررسی میزان باروری و عوامل مؤثر آن در میان قبیلۀ کرد ساکن اندیمشک»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۱-۹۸.
- حسینی، حاتم و بلال بگی (۱۳۹۱). «استقلال زنان و کنش های باروری در میان زنان کرد شهر مهاباد»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۷۸-۵۷.
- حسینی، حاتم و بلال بگی (۱۳۹۳). «تعیین کننده های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی - درمانی همدان در سال ۱۳۹۱». دانشگاه علوم پزشکی، س هجدهم، ش ۱.
- رستگار خالد، امیر، میثم محمدی، محمد ناصر ریاحی (۲۰۱۷). «ارزش گذاری زنان و کنترل باروری» مطالعات استراتژیک زنان، بهار ۱۹، ۲۰۱۷، شماره ۷۵.
- سلطانیان، علیرضا، سقراط فقیه زاده، ابراهیم حاجی زاده، حمید چوبینه، فاطمه بحرینی، محمود محمودی فراهانی و حمیدرضا خلخالی. (۱۳۸۶). «بررسی نیت افزایش فراوانی خانواده و برخی مولفه مرتبط به آن در بوشهر مجله پیآورد سلامت دوره (۲) ۴۴-۳۷».
- شیری، محمد، طه نوراللهی و الهام رستمی (۱۳۹۲). «بررسی مولفه مؤثر بر باروری با تکیه بر رویکرد چند سطحی»، معرفت، ش ۱۸۹، صص ۱۰۰-۸۹.
- شیری، طهمورث و سهیلا بیداریان (۱۳۸۸). «بررسی مولفه اقتصادی جمعیتی مؤثر بر باروری زنان ۴۹-۱۵ ساله‌ی شاغل در آموزش پرورش منطقه ی ۲۲ تهران»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش ۳، صص ۱۵-۱.
- شیدائی، رضا (۱۳۹۲). «بررسی مولفه مؤثر بر گرایش به خواست فرزندان کمتر در میان زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر ساکن در شهر تهران»، پایانامه کارشناس ارشد، رشته جمعیت شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- قدرتی، حسین، علی یاراحمدی، مریم مختاری و حسین افراسیابی (۱۳۹۰). «تحلیل سرمایه اجتماعی تولید مثل زنان در مناطق شهری سبزوار» مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دوره ۱، شماره ۴»
- عباسی شوازی، محمدجلال و زهره خواجه صالحی، ۱۳۹۲ «سنجش تاثیر استقلال، مشارکت

اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهرسیرجان)»، زن در توسعه سیاست، (۱۱، ش ۱)

- عباسی شوازی، محمد جلال و ملیحه علی مندگاری (۱۳۸۹). «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آنها در ایران»، پژوهش زنان، دوره ۸، ش ۱، صص ۵۱-۳۱.

- عباسی شوازی، محمد جلال و عباس عسکری ندوشن، ۱۳۸۴ «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۵.

- گشتاسبی، آریتا و مریم سادات وحدانی نیا. (۱۳۸۵). الگوی بکارگیری روشهای پیشگیری از بارداری در مناطق شهری استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۳. باروری و ناباروری تهران:

پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی. ۷(۳). ۲۵۹-۲۵۲

- لیتل، دانیل. (۱۳۸۱). تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع. تهران: موسسه فرهنگی صراط

- مرکز آمار ایران ۱۳۹۵، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن

- محمودیان حسین، محمداحمد پور و مهدی رضایی (۱۳۸۸) «زمینه های کم فرزندآوری در استان کردستان، مطالعه موردی شهر سقز»، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۴(۸): ۱۲۲-

۸۵»

- Adsera, A. (2005). Vanishing Children: From High Unemployment to Low Fertility in Developed Countries. *American Economic Review*. 95 (2). 189 - 193.

- Bongaarts, J. (1999). Fertility decline in the developed world: Where will it end? *The American Economic Review*, 89(2), 256 - 260.

-Bongaarts, J., & Sobotka, T. (2011). Demographic explanation for the recent rise in European fertility: Analysis based on the tempo and parity-adjusted total fertility. *Vienna Inst. Demography*.

-Billari. F (2008). «Lowest-Low Fertility in Europe: Exploring the Causes and Finding Some Surprises, *The Japanese Journal of Population*, Vol.6, No.1 (March 2008).

-Beckman, L. J. (1979). Fertility Preferences and Social Exchange Theory. *Journal of Applied Social Psychology*. 9 (2). 147 - 169.

-Cleland, J and C.Wilson (1987). «Demand Theories of the Fertility Transition, An Iconoclastic View». *Population Studies*. 41: 5 - 30.

-Cramer, J (1980). «Fertility and Female Employment: Problems of Causal Direction». *American Sociological Review* 45, 167 - 190.

-Felmlee, D.H (1993). «The Dynamic Interdependence of Women Employment and Fertility». *Social Science Research*. 22, 333 - 359.

- De silva. T (2008). « low fertility trends: causes, consequences and policy options Working Paper Series: Number 1, Colombo: Institute for Health Policy.
- Lesthaeghe, R & Van de Kaa. (1986) Value changes and the dimensions of familism in the European Community, European Journal of Population.
- Little, Daniel. (2002). Explanation in Social Sciences: An Introduction to the Philosophy of Social Science. Tehran: Sarat Cultural Institute
- McGinnity, F. and Russell, H (2008). Gender Inequality in Time Use: The Distribution of Caring, Housework and Employment among Woman and Men in Ireland. Ireland, Brunswick Press.
- Mc Donald, Peter. 2000 .Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility, Journal of Population Research, 17 (1): 1 - 15.
- Rindfuss, R.R., K. Benjamin- Guzzo, S. Philip Morgan (2003). The Changing Institutional Context of Low Fertility». Population Research and Policy Review22: 411- 438.
- Smith – Lovin, L and A. Tickamyer (1978). «Nonrecursive Models of Labor Force Participation, Fertility Behavior, and Sex Role Attitudes». American Sociological Review 43, 541 –557.
- United Nations Population Division (2015). World Population Prospects: The 2015 Revision, Population Database, Department of Economic and Social Affairs, Population Division, New York Population and Development Review, 26(3): 427-439.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی